

تریبون آزاد جانبازان

**جانباز محمدحسن مومنی:
بین جانبازان
فرق نگارید**



بر اثر استنشاق گازهای شیمیایی در جنگ تحمیلی، سیستم تنفسی‌ام آسیب دید که تا الان عواقب آن روی بدنم قابل ملاحظه است. تبعات ناشی از تنفس گازهای شیمیایی به ریه‌هایم آسیب زد و وضع ریه‌هایم خیلی خراب است و آسم شدید دارم. به دلیل وضعیت بد ریه‌هایم مجبورم از داروهای اسپری‌های تنفسی استفاده کنم و در معرض هوای آلوده قرار نگیرم که حالم را خیلی بد می‌کند. غیر از مشکلات تنفسی پوست بدنم سوخت و چشم‌هایم آسیب دید و الان آذیت می‌شود. وضعیت جسمانی‌ام بعد از شیمیایی شدن ضعیف شد و دیگر به حالت پیش از آن برنگشت.

بعد از مجروحیت، بنیاد شهید مرا جانباز ۲۵ درصد شیمیایی دانست. البته همان زمان که به دکترهای بیمارستان بقعه‌الله در تهران مراجعه کردم آنها گفتند که حداقل میزان جانبازی برایت ۳۵ درصد است ولی دیگر پیگیر میزان جانبازی‌ام نبودم. الان هم مشکلی بابت میزان درصد جانبازی‌ام ندارم چراکه جانباز ۲۵ درصد با ۳۵ درصد چندان فرقی نمی‌کند و بنیاد شهید به جانبازانی با این میزان درصد مزایا و حقوقی نمی‌دهد. من بیشتر به این روند اعتراض دارم و می‌خواهم بگویم چرا برای دادن مزایا جانبازان بر اساس درصدشان سنجیده می‌شوند و بین آنها تبعیض قائل می‌شوند. ما انتظار مزایای خاصی هم از بنیاد نداریم و پرداخت شود و دیگر برسی‌های دارو و درمان هزینه‌های در دوش جانبازان و خانواده‌هایشان نباشد.

الان تنها مزایایی که بنیاد برایم قائل است ویزیت پزشک را برایم رایگان کرده است. دکتري عمومی می‌آیند، ویزیت می‌کند و هزینه‌های برایش پرداخت نمی‌کنیم. قیمت دارو نسبت به چند سال پیش که تحریم‌ها شدت داشت کمتر شده ولی در همه حال هزینه درمان و داروها بر عهده خودم است. این در صورتی است که گاهی دیده می‌شود بین جانبازان با میزان درصدی یکسان تبعیض و فرقی گذاشته می‌شود که این برای جانبازان موضوعی آزاردهنده است. این تقاضایم و خواهش‌ام از طریق ستون تریبون آزاد جانبازان به گوش مسئولان می‌رسانم که حداقل نیازهای درمانی جانبازان توسط بنیاد برطرف شود و دیگر اینکه بین جانبازان تفاوتی قائل نشوند. الان جانبازان شیمیایی زیادی از دوستان را می‌شناسم که در تأمین هزینه‌های درمانی و خریدن دارو با مشکلات مالی روبرو هستند و ادامه این روند وضعیت را برای جانبازی که جان فدای اسلام می‌شد و برای کشور داده است، سخت می‌کند. در کنار جانباز، خانواده‌اش هم از چنین شرایطی رنج می‌کشند که این برآزنده و مناسب جانبازان نیست.

**گزارش خبرنگار «جوان» از دیدار با مادری که هر صبح پنج‌شنبه بر مزار فرزند شهیدش نذری پخش می‌کند
میزبانی ۲۵ساله یک مادر از زائران قطعه ۵۳ بهشت زهرا(س)**



عکس: محمدرضا طیبی/عبید جوان

صغری خیل فرهنگ
چند روزی است که روز مادر را پشت سر گذاشته‌ایم. اما همچنان در هفته زن قرار داریم و کلمه مقدسه «مادر» چیزی نیست که به این سادگی بشود از کنارش گذشت. خصوصاً مادران شهدا و ایثارگران که از مهر مادری‌شان گذشتند تا تمام میهن و نظام اسلامی از گزند بیگانگان محفوظ بماند. چندی پیش که به بهشت زهرا رفته بودیم، دیداری با مادر شهیدی داشتیم که ۲۵ سال تمام است هر صبح پنج‌شنبه

به مزار فرزند شهیدش می‌رود و با پخش نذری از زائران مزار شهدا پذیرایی می‌کند. مهر مادری سال‌هاست که زهرا رام یا به سن گذاشته را به بهشت زهرا می‌کشاند و خدا می‌داند او از چه گوهری گذشته و چه رنج‌ها را تحمل کرده تا ذره‌ای از خاک وطن‌مان یا پیمال بیگانگان و ایادی استکبار نشود. به مناسبت ایام خجسته‌ای که در آن قرار داریم، گزارش زیر را که گفت‌وویی با این مادر شهید است، تقدیم حضورتان می‌کنیم. به پاسداشت عظمت روح مادران پاکدامن سرزمین عزیزمان

به فرزندی که در ۱۹سالگی به شهادت رسید و مادرش را برای همیشه مهمان بهشت زهرا(س) کرد. در ادامه مادر شهید از معصومیت و وابستگی به شهیدش می‌گوید: «غلامرضا که می‌خواست به مدرسه برود، تا ۴۰ روز همراهش می‌رفتم و در کنارش می‌نخستیم. خیلی به هم علاقه‌مند بودیم و به هم وابستگی داشتیم. امروز هم همین وابستگی است که من را سال‌ها بعد از شهادتش هر پنج‌شنبه صبح مادر شهید ادا می‌کند.»

مادر شهید ادامه می‌دهد: «غلامرضا از همان ۱۳سالگی عضو بسیج شد. اخلاقی خیلی خوب بود. من از او راضی بودم. در سنی که هم خوب بود. همواره در مسجد محل فعالیت می‌کرد.»

زهرا رام مادر شهید غلامرضا بزرگ‌گرم می‌کند و لحظاتی کنارش می‌نشینم. یک لیوان چای مهمانم می‌کند که دلچسپی و گوارایی طلعمش همچنان در کام من مانده است. از او می‌خواهم کمی از خودش برایم بگوید و اینگونه صحبت‌هایش جان دلم را گرم می‌بخشد: من زهرا رام هستم. در حال حاضر که با شما حرف می‌زنم ۶۰بهار را به لطف و کرم خدا گذرانده‌ام. پدر بچه‌ها ارثی بود. خداوند سه پسر و یک دختر به من عطا کرد که یکی از بچه‌ها را به انقلاب و کشورم هدیه کردم.

مادر شهید همانطور که دستانش را روی آتش گرم می‌کند از درانه شهیدش هم برای‌مان می‌گوید: «غلامرضا چهارم اسفند ماه ۱۳۴۹ که مصادف با اولین روز محرم بود، به دنیا آمد و در اولین روز از محرم ۱۳۴۹ (۲۳ تیر ماه) هم به شهادت رسید. اسمش را غلامرضا گذاشتیم. او آن قدر نام رضا را دوست داشت که ما هم در خانه‌اش صدایش می‌کردیم. چهار سال تمام شیر خورد تا به غذا خورد افتاد.»

غلامرضا سومین فرزند خانواده بزرگ‌گرم

طراح‌علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۰۲

از راست به چپ

- ۱- پدر داریوش اول - کوچک‌ترین آیه قرآن ■ ۲- فنی در کشتی - باجه روزنامه‌فروشی - مقر روسای جمهور افغانستان ■ ۳- ضمیر مخاطب - سازش - بچه چهارپایان - آب تازی ■ ۴- وسیله‌ای در نجاری - پارچه بدون آستر - وزیدن باد ■ ۵- خدای هندوها - مشاهده و دیدن - نام دوازه تن از فراغه مصر ■ ۶- تنیسور نامدار سابق آلمانی - چین و شکن - نوعی نان فانتزی ■ ۷- ناروای شرعی - پایتخت کشور آل خلیفه - ران به ریخته ■ ۸- خاندان - طمعکار و آزمند - سه کیلو ■ ۹- اجر و پاداش - میزان مجاز زیربنای ساختمانی - نوعی پارچه گرانبها ■ ۱۰- هدهد - جاسوسخانه آمریکا - از شهدای انقلاب اسلامی ■ ۱۱- تاجر خلق شده توسط ولیام شکسپیر - حرکات نرم ورزشی - نیروی نظامی هر کشور ■ ۱۲- پول عمان - انجمن بین‌المللی حمل‌ونقل هوایی - تکیه کلام مغرور ■ ۱۳- از حروف انگلیسی - خواب را لذت بخش می‌کند - آوازه - شکم بند طبی ■ ۱۴- پرستار - گریزان و فراری - خبرگزاری دانشجویان ■ ۱۵- پایتخت شیلی - مظهر حق شناسی

از بالا به پایین

- ۱- دستگاه روشن کردن موتور خودرو - اتومبیل حمل بیمار ■ ۲- جوجه تیغی - جانوری نرم تن با صدف ماریجه - غلف خوردن حیوان ■ ۳- بست و واژه - همنشین - ستاره کشتی ایران در المپیک سیدنی - رودی که از شهر پاریس می‌گذرد ■ ۴- عنوان سازمان جدایی طلب ایالت باسک اسپانیا - غلام سلطان محمود غزنوی - مهره شطرنج ■ ۵- غذای ژاپنی - متضاد کیفیت - از مریدان باسابقه فوتبال کشورمان ■ ۶- دوباره و مکرر شدن - رود مرزی - پایتخت پرو ■ ۷- واحد وزنی - ایوانش را شاعر آینه عبرت دانسته است - نشان و علامت کالا ■ ۸- شراب شاعرانه - هنری ایرانی برای تزئین دیوار و سقف - ورزش مادر ■ ۹- بیست و فرومایه - از امراض چشم - چکاندنی اسلحه ■ ۱۰- مرکز سلول - رود جیحون - از ابزار کفاشان ■ ۱۱- مدرسه بزرگسالان - نداده‌نده غیبی - اقیانوس کبیر ■ ۱۲- پاسخ - تیم علی دایی در فوتبال آلمان - انقباض ناگهانی و غیرارادی عضله ■ ۱۳- صفت عدد - امر به ماندن می‌کند - اولین ماه قمری - آب بند ■ ۱۴- بهشت شاد - خط‌های پشانی - محدودیت ■ ۱۵- محل نمایش آثار نقاشی - کتابی از انتوان چخوف، نویسنده شهیر روس

ضمن ابراز خوشحالی از اینکه به آرزویتان یعنی دیدار با رهبری نائل آمدید، برایمان از آن روز به یاد ماندنی بگویید.

زمانی که با ما از حرم رضوی تماس گرفته شد، به ما گفتند که قرار است با آقا دیدار داشته باشیم. تنها از ما خواستند به آنجا برویم. وقتی که به حرم رسیدیم، مقارن با نماز مغرب و عشاء بود. تازه آنجا به ما گفتند قرار است با رهبری دیدار داشته باشیم. با شنیدن این خبر دست و پای‌مان را گم کرده بودیم. نمی‌دانستیم چه باید بگوییم. اصلاً شوکه‌شو نمی‌بودیم. فکر نمی‌کردم به محضر یاور و یارم حسین است سر و کاری ندارم در دو عالم که در عالم سر و کارم حسین است بگو بر مادر تکیه شهید هرگز نمی‌میرد ره عشق و شهادت را از مولایم علی گیرم بعد از شهادتش همه مراسمات شب‌های قدر و سال تحویل در کنار بسرم هستیم.»

از مادر شهید غلامرضا بزرگ‌گرم از فلسفه پنج‌شنبه به مدت ۲۵سال میزان زائران قطعه ۵۳ بهشت زهرا می‌شود، او می‌گوید: «هن ابتدا که می‌آمدم کمی برای غلامرضا خیرات می‌آوردم و کنارش می‌نخستیم و حرف می‌زدیم. یک بار خواب دیدم، به خواب آمد و گفت هر چی می‌آوری خیلی خوشمزه است اما مامان چرا با خودت غذا نمی‌آوری. آخر من از صبح تا ساعت ۱۰ شب اینجا می‌ماندم. گفت تو که غذا نمی‌خوری منم نمی‌خورم و گشتم می‌مانم. از آن روز به بعد، از صبح به بهشت زهرا می‌روم و صبحانه آماده می‌کنم و ناهار. هر کسی که بیاید مهمان شهیدم می‌شود. به خادمان بهشت زهرا و زائران گلزار شهدا صبحانه و ناهار می‌دهیم، البته یکی دو سالی می‌شود که سه مادر شهید دیگر هم همراهیم می‌کنند.

فقط زمانی که مکه بودم نتوانستیم بروم که غلامرضا به خوابم آمد و گفت که مادر جان من هم اینجا هستم نگران نباش. در دل‌های من که با غلامرضا تمام نمی‌شود. من در واقع با غلامرضا زندگی می‌کنم. خیلی وقت‌ها در کنار خودم می‌بینمش. در یکی از نامه‌هایش نوشته بود اگر من شهید شدم نگذارید مدرم گریه کند. من از همه شما جوانان می‌خواهم که راه شهدا را ادامه دهید و حافظ خون شهدا باشید. می‌خواهم که حجاب‌تان را حفظ کنید تا شهدا هم از ما راضی باشند.»

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون، مربع‌های کوچک سه‌گانه فقط یک‌بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۴۰۱

			۱		۶	۵		
					۳	۲	۸	
۲		۵						
		۷		۱	۹	۶		
		۶			۸	۷		
		۲			۷	۹		
				۱		۷	۲	
			۳	۸				
					۷			۴

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲
۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۲